یک جرعه نور

دشمن هم مغلوب است، هم تحقیر می‌شود



قصه‌های قرآن / مرتضی ممیز

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره مبارک فیل به بخش دوم این سوره می‌پردازیم که خداوند متعال در آیات سوم، چهارم و پنجم آن می‌فرماید: «**وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ، تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ، فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ**»: خداوند بر سر آنان [که سوار فیل شده و برای انهدام مکه آمده بودند] پرندگانی را فوج‌فوج فرستاد که بر آنان، سنگریزه‌هایی از گل سفت پرتاب کردند، پس آنان را مثل کاه خردشده قرار داد.»

در بررسی بخش اول سوره، اشاره کردیم که نمونه‌های واضح داستان شکست سپاهیان فیل‌سوار را ما نیز در همین جنگ اخیر و پس از ماجرای طبس، در ماجرای اصفهان دیدیم که اراده الهی به مددمان آمد و دشمن را زمین‌گیر و تحقیر کرد. خداوند در آیه آخر این سوره، به تحقیر دشمن با عبارت «خرد شدن مثل کاه» اشاره می‌کند.

پرندگانی که مأموران خداوند بودند، با سنگریزه‌های خود، دشمنی را که از بزرگ‌ترین تجهیزات جنگی (همچون فیل) برای هجوم استفاده کرده بود، شکست دادند و نابود کردند، بنابراین دشمنان خداوند هرقدر هم مجهز باشند، باز ناتوانند.

نکته دیگری که مفسران سوره به آن اشاره می‌کنند، این است که اهانت به مقدسات، سخت‌ترین کیفر را دارد و اقوام دیگری که برای گناهان دیگر هلاک شده بودند، هیچ‌کدام مثل کاه جویده نشدند، بلکه یا روی خاک افتادند یا در آب غرق شدند.

این سوره هشداری است به همه گردن‌کشان و مستکبران جهان که بدانند در برابر قدرت خداوند تا چه حد ناتوانند و مستکبر زمان ما، اسرائیل جنایتکار، هم که تاکنون در میدان‌های زیادی تحقیر شده است، پس از این نیز در برابر قدرت خداوند و جبهه مقاومت، دوام نخواهد آورد.

حکمت

سنت الهی در رفتارشناسی باطل

غلامرضایی| «وَاللَّهِ لَا يَزَالُونَ حَتَّى لَا يَدَعُوا لِلَّهِ مُحَرِّماً إِلَّا انْتَهَكُوهُ، وَلَا عَقْداً إِلَّا حَلُّوهُ: به خدا سوگند آنان به ستمگری خود ادامه می‌دهند تا جایی که هیچ حرمی از حرمات الهی را باقی نگذارند؛ مگر آنکه آن را بشکنند و هیچ پیمانی را وانگذارند مگر آنکه آن را بگشایند.» (**نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳**)

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در این فراز، یک سنت الهی را در باب رفتارشناسی جبهه کفر افشا می‌فرماید. بر پایه این آموزه معارفی، ساختار باطل در مسیر حفظ سیطره موهوم خود، به هیچ عهدنامه و مرز اخلاقی پایبند نخواهد ماند. قدرت‌های باطل تنها برپایه منفعت محض، حرکت می‌کنند و به محض تلاقی با مقاصد کلان خود، تمام حدود را وحشیانه می‌شکنند. نمونه بارز انطباق بر این سنت الهی، هجرت آگاهانه اباعبدالله‌الحسین(ع) از مکه بود؛ امام می‌دانست که جریان باطل، حریم امن کعبه را هتک خواهد کرد، پس با خروج به موقع، دشمن را مجبور ساخت که ذات عهدشکن خود را در بیابان عریان کربلا و در برابر افکار عمومی تاریخ به نمایش بگذارد و راه هرگونه توجیه مذهبی بر حکومت شام بسته شود.

این آموزه نشان می‌دهد که شناخت دقیق سنن الهی، یکی از نشانه‌های بصیرت اولیای الهی است و مانع از گمراهی افکار عمومی در فضای غبارآلود می‌شود. پایداری در صراط مستقیم، نیازمند فهم عمیق رفتارهای جبهه باطل است. مصداق عینی این قاعده را امروز نیز می‌توان در خوی ددمنشانه و پیمان‌شکنی رژیم غاصب صهیونیستی در ویرانی مدارس و بیمارستان‌ها آشکارا دید؛ بنابراین فرمول علوی، امید بستن به معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی التماسی در برابر چنین دشمن پرده‌دری، نشانه جهل مطلق به سنن الهی است؛ چراکه در برابر چنین هجومی، فقط منطق قدرت و مقاومت مقتدرانه در میدان عمل، کارگر خواهد افتاد.

احکام

خرید قسطی از نظر شرعی، صحیح است؟

علیرضا وکیلی| خرید نسیه و اقساطی، بخش جدایی ناپذیر زندگی اقتصادی امروز است. بسیاری از مردم، کالاهای موردنیاز خود را با پرداخت مدت‌دار تهیه می‌کنند و در مقابل، مبلغی بیش از قیمت نقدی می‌پردازند. اما آیا این افزایش قیمت از نظر شرعی، مجاز است و چه شرایطی باید در معامله نسیه رعایت شود تا معامله، صحیح و معتبر باشد؟ آگاهی از این احکام، می‌تواند از بروز اختلافات و معاملات باطل جلوگیری کند.

حق مطالبه ثمن در معامله نقدی و نسیه

در معامله نقدی، فروشنده پس از تحویل کالا، حق دارد بهای آن را مطالبه کند. اما اگر برای پرداخت ثمن (پول)، مدتی تعیین شده باشد، مشتری تا پیش از پایان آن مدت، ملزم به پرداخت نیست؛ هرچند فروشنده آن را بخواهد.

افزایش قیمت در فروش نسیه (گوشی چکی مشکل دارد؟)

اگر کسی کالایی را به‌صورت نسیه و با مهلت یک‌ساله بخرد و در برابر این مهلت، قیمت بیشتری نسبت به قیمت نقد بپردازد - مثلا گوشی‌ای که قیمت نقدی آن ۱۰میلیون تومان است، به‌صورت نسیه و با سررسید یک‌ساله، ۱۴میلیون تومان فروخته شود- این معامله اشکال ندارد.

لزوم تعیین دقیق زمان پرداخت

مدت تعیین‌شده در معامله نسیه، باید کاملا روشن و مشخص باشد و هیچ احتمال کم‌وزیاد شدن در آن وجود نداشته باشد؛ برای مثال اگر بگویند: «وقتی حسن از سفر برگردد، پول را می‌دهم»، معامله باطل است؛ زیرا زمان بازگشت او معلوم نیست.

معامله نسیه درصورتی‌که شرایط آن از ابتدا به‌طور دقیق مشخص شود، معامله‌ای صحیح و مشروع است. تعیین روشن زمان پرداخت و توافق قطعی بر قیمت، از مهم‌ترین ارکان این نوع معامله به‌شمار می‌رود و مانع بروز اختلافات و مشکلات شرعی در آینده خواهد شد.

مروری بر آیه اطعام و درس‌هایی که به تاریخ داده است

مایه مباهات خدا باشیم

گزارش

آمنه مستقیمی| آیه اطعام که در شأن اهل بیت(ع) نازل شد، نه تنها سندی بر فضیلت ایثار بی‌نظیر امام علی(ع)، حضرت زهرا(س)، امام حسن و امام حسین(ع) است، بلکه درسنامه‌ای جاودان برای زیستن بر مدار انسانیت و اخلاص محسوب می‌شود. تأکید قرآن بر پرهیز از منت، آزار و ریا، نشان می‌دهد که روح ایثار با اخلاص گره خورده و بدون آن، نه تنها پاداشی نیست، بلکه ایمان فرد نیز زیر سؤال می‌رود. فرهنگی که فقر را کاهش می‌دهد، همدلی را گسترش می‌دهد و انسان را به قرب الهی می‌رساند. در این مطلب تلاش کرده‌ایم که به این مفاهیم زندگی‌ساز بپردازیم.



طرح و ایده: علی معصوم‌بیگی / شهرآرا

شأن نزول آیه اطعام

بنابر نقل ابن‌عباس، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به‌شدت بیمار شدند، اصحاب به عیادت آن‌ها رفتند و به امام علی(ع) گفتند: ای ابوالحسن! اگر برای خدا نذر می‌کردی، بهتر بود. حضرت فرمود: نذر می‌کنم که اگر خداوند دو نوه پیامبرش محمد(ص) را شفا دهد، سه روز روزه بگیرم و سایر اعضای خانواده نیز در این نذر شریک شدند. خدا آن حضرات را شفا داد و آنان برای ادای نذرشان، سه روز، روزه گرفتند. روز اول افطارشان را که مقداری نان بود، به فقیر بخشیدند، روز دوم به یتیم و روز سوم به اسیر؛ یعنی سه روز با آب، روزه گرفتند و افطار کردند. این هنگام بود که آیه اطعام «**وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا**» نازل شد؛ یعنی برای محبتی که به خدا داشتند، طعامشان را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند.

آیه اطعام مختص اهل بیت(ع) است

اکثر مورخان، محدثان و مفسران شیعه و اهل سنت معتقدند که تعدادی از آیات سوره انسان ازجمله آیه «**وَ يطْعِمُونَ الطَّعامَ...**» در شأن عترت رسول خدا(ص)، یعنی امام علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) نازل شده است و زمان نزول آن در ماه ذی‌الحجه پس از ادای نذری بود که شرح آن رفت. علامه امینی در «الغدیر»، از ۳۴ عالم اهل سنت نام برده است که روایاتی را درخصوص نزول این آیات درباره امام علی(ع)، حضرت فاطمه(س) و حسنین(ع) نقل کرده‌اند.

آیه‌ای برای سبک زندگی

آیه در کنار بیان فضیلتی از فضایل اهل بیت(ع)، پیام‌های مهمی را در خود جای داده؛ مثل آنکه کمال انسان به نیکی و ایثارگره خورده است؛ اطعام و انفاق زمانی ارزش بیشتری دارد که از علاقه‌مندی‌ها و نیاز مبرم انسان باشد؛ اسلام به گرفتاران توجه دارد و حامی فقرا، اسرا و ایتام است، کمک و انفاقی ارزش دارد که به دور از منت و آزار و ریا باشد، ارزش اعمال ما به اخلاص و برای خدا انجام دادن است، وفای به نذر، واجب است و عدم ادای آن، موجب قهر الهی می‌شود و دنیایی از نکات و آموزه‌های دیگر که هریک نقشه راه ایثار به‌عنوان یک فضیلت را پیش‌پای ما می‌گذارند.

ایثار، فضیلت است

از دلایل اهمیت واقعه سوره هل‌أتی، ایثار عظیمی است که در متن آن رقم خورده است. ایثار یعنی از خودگذشتن و دیگران را بر خود مقدم دانستن که درجه‌ای بالاتر از احسان و انفاق است؛ چون انسان با ایثار از چیزی می‌گذرد که خود به آن نیاز دارد؛ مثل کاری که امیرالمؤمنین(ع) و خانواده‌شان انجام دادند. ایثار از فضیلت‌های اخلاقی است و قرآن کریم در آیات متعدد به آن توصیه و تأکید می‌کند؛ سیره اهل بیت(ع) نیز مملو از جلوه‌های ایثار است؛ مثل ایثار امیرالمؤمنین(ع) در لیله‌المبیت، ایثار اهل بیت(ع) در ماجرای روزه‌داری، ایثار حضرت خدیجه(س) برای حمایت از پیامبر(ص) و اعتلای اسلام و ایثار شهدای کربلا.

جلوه‌گاه زهد و بالاترین مرتبه ایمان

از مشوق‌های مهمی که می‌تواند روح ایثار را در فضای فردی و اجتماعی گسترش دهد، روایات است. در سخنان نورانی اهل بیت(ع)، ایثار علاوه بر آنکه یکی از برجسته‌ترین صفات اخلاقی معرفی می‌شود، تمجید نیز شده است؛ امیرالمؤمنین(ع) در این باره می‌فرمایند: «کسی که ایثار کند، به نهایت جوانمردی رسیده است.» (**شرح غررالحکم، ج۵، ص۲۵۵، ح۸۲۲۵**). همچنین فرمودند: «ایثار، بهترین احسان و بالاترین مرتبه ایمان است.» (**همان، ج۲، ص۳۱، ح۱۷۰۵**) پیامبر اکرم(ص) نیز در فضیلت ایثار فرموده‌اند: «ایثار، جلوه‌گاه واقعی زهد و بی‌توجهی به دنیاست.» (**جامع‌الأخبار، ص۱۲۳**)

اخلاص، شرط اول است

قرآن همچنین بر ایثار به دور از آفت ریا و خودنمایی تأکید می‌کند و غیر آن را با روح ایثار و ازخودگذشتگی در تضاد می‌داند و در آیه ۲۶۴ سوره بقره می‌فرماید: «**لَا تُبْطِلُوا صَدَقَتِكُم بِالمَنِّ وَالأَذَى كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَاليَومِ الأَخِرِ...**» این آیه ضمن آنکه بر ایثار بدون منت و آزار تأکید می‌کند، آن را به دور از ریا و خالصانه می‌خواهد. اوج و قله آیه آنجاست که تأکید می‌کند کسانی که بی‌توجه به این مؤلفه‌ها باشند، به خدا و آخرت ایمان ندارند! این یعنی اخلاص در اعمال خیر و نیک، به قدری مهم است که بدون آن، فرد حتی ایمان ندارد.

آثار فردی و اجتماعی این عمل

ترویج روحیه سخاوت و بخشش، دوری از بخل و خودخواهی، تلاش برای کسب رضای خدا و کنار گذاشتن هواهای نفسانی از آثار فردی و وفای به عهد، ترویج فرهنگ جهاد و ازخودگذشتگی، فقرزدایی، حسن معاشرت، همدلی و گره‌گشایی و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی الهی بر جامعه، از آثار اجتماعی آن است که هر عقل سلیم را به اهتمام بر آن دعوت می‌کند. رسیدن به پاداش‌های اخروی، محبوبیت نزد دیگران و رسیدن به مقام مروت نیز در روایات به‌عنوان آثار ایثار بیان شده‌اند.

فرد و جامعه را به احسن‌الحال می‌رساند

شاید یک بعد مهم، آن باشد که قرآن برای ایثار امیرالمؤمنین(ع)، حضرت زهرا(س) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، سوره نازل و این عمل آن‌ها را تقدیر کرده است.

منت و آزار در ایثار، ممنوع!

ایثار برای آنکه فضیلت اخلاقی محسوب شود و آثاری را که ذکر شد داشته باشد، به رعایت آداب و شروطی نیاز دارد که مهم‌ترین آن‌ها پرهیز از منت‌گذاشتن و بیان سخنان آزاردهنده است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «**الَّذينَ يُنفِقونَ اَموالَهُم فى سَبيلِ اللهِ ثُمَّ لايُتبِعونَ ما اَنفَقوا مَنًّا ولاَ اَذًى لَهُم اَجرُهُم عِندَ رَبِّهِم و لا خَوفٌ عَلَيهِم و لا هُم يَحزَنون**: آنان را که مالشان را در راه خدا انفاق کنند و در پی انفاق منتی نگذارند و آزاری نکنند، پاداش نیکو نزد خدا خواهد بود و از هیچ پیشامدی، بیمناک نباشند و هرگز اندوهناک نخواهند بود.» (**بقره، ۲۶۲**)

درنگ

تلاقی نور، عقل و ایمان؛ بازخوانی یک رویداد تاریخی الهی

معصومه مستقیم کارگوهردانی| واقعه مباهله یکی از مستندات قاطع در اثبات نبوت حضرت محمد(ص) و فضیلت اهل بیت(ع) است. این رویداد در قرآن کریم، در آیه ۶۱ سوره آل‌عمران، ثبت شده است: «پس هرکه با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید، بعد از آنکه به احوال او آگاهی یافتی، بگو بیایید ما و شما، فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباهله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.»

درواقع روز مباهله، در تقویم شیعه، نمادی از اوج اعتماد به حقانیت و تجلیگر قدرت الهی است. این روز که مصادف با ۲۴ ذی‌الحجه است، یادآور رویدادی است که در آن پیامبر اسلام(ص) با دعوت به «مباهله»، نه تنها حقیقت رسالت خود را اثبات کرد، بلکه اوج کمال انسانی و قرب الهی را در خانواده پاک خویش تجلی بخشید.

طعمه جان در آیینه حق

مباهله، تنها یک دعوا یا نبرد کلامی نیست، بلکه هم‌آوایی عشق و حقیقت است. تصور کنید روزی که آسمان‌ها سکوت کرده‌اند و بادها برای شنیدن صدای حقیقت، نفس‌ها را حبس کرده‌اند پیامبر اکرم(ص) که خود تجلیگر رحمت واسعه الهی است، برای اثبات رسالت خویش، به جای شمشیر و زور، از سلاح «دعا» و «صداقت» استفاده می‌کند. او می‌گوید: «خدایا! این‌ها دروغ می‌گویند، پس آن‌ها را عذاب کن!» این اوج شجاعت است؛ شجاعتی که ریشه در یقین قلبی دارد. اما اوج زیبایی ماجرا، زمانی است که پیامبر(ص) با خود، داماد امام علی(ع)، دخترش فاطمه(س) و دو نوه‌اش امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، را می‌آورد. در ادبیات عرفانی، این چهار نفر نماد «چهار دروازه بهشت» و تجلیگر کمال مطلق هستند.

وقتی پیامبر(ص) این عزیزان را پیش می‌کشد و می‌فرماید: «خدایا! این‌ها اهل بیت من هستند. اگر دروغ بگویند عذابشان کن»، یعنی جان خود را به جان آن‌ها گره زده است. در این لحظه، مرز بین پدری و امامت، بین انسانیت و الهیت محو می‌شود. فاطمه زهرا(س) که ستون رحمت است، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) که سید شباب اهلند و امام علی(ع) که باب مدینه‌العلم است، همگی در یک سو ایستاده‌اند تا نشان دهند که حقیقت، نور است و دروغ، تاریکی محض.

مباهله، مانند طوفانی است که گردوغبار شرک را از چهره تاریخ پاک می‌کند. وقتی مسیحیان نجرانی می‌بینند که این چهار چهره نورانی، چنان با اعتماد به نفس و آرامش در برابر عذاب الهی ایستاده‌اند، می‌فهمند که سخن با آن‌ها بیهوده است. سکوت مسیحیان نجرانی، بلندترین فریاد حق‌شناسی است. آن‌ها در چشمان کوچک امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، آینده روشن اسلام و در وقار امام علی(ع)، عدالت مطلق را و در چهره نورانی فاطمه(س)، تجلی مهربانی بی‌پایان و عفت بی‌بدیل الهی را می‌بینند و این لحظه، لحظه پیروزی عشق بر نفرت و حقیقت بر باطل است.

درس‌های مباهله برای امروز

روز مباهله، تنها یک مناسبت تاریخی نیست، بلکه درسی آموختنی برای تمام ادوار است. درس اول، «توکل بر خدا» است. وقتی ما به حقیقتی یقین داریم، نباید از مخالفت دیگران بترسیم. درس دوم، «اهمیت خانواده و تربیت» است. پیامبر(ص) با تربیت صحیح فرزندان و نزدیکان خود، نهاده‌ای قدرتمند برای هدایت بشر ایجاد کرد و درس سوم، «پاسخگویی منطقی» است. ما باید به جای پرخاشگری، با علم، منطق و اخلاق، حقیقت را مطرح کنیم.

امروز، در دنیایی که اخبار جعلی و دروغ‌های بزرگ، چهره حقیقت را مخدوش کرده‌اند، یادآوری واقعه مباهله، ضروری است. ما باید مانند اهل بیت(ع)، دربرابر دروغ ایستادگی کنیم، اما نه با خشونت، بلکه با نور یقین و حقیقت محض؛ چراکه می‌دانیم درنهایت، حقیقت پیروز است و دروغ، هرچند بزرگ باشد، شکست خواهد خورد.

بنابراین بیایید در این روز مبارک، عهد ببندیم که نه‌تنها در کلام بلکه در عمل و رفتار، ائمه(ع) را الگوی خود قرار دهیم و خانواده خود را با نور ایمان و اخلاق مزین کنیم و دربرابر تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای، با سلاح دانش و بصیرت، پاسخی شایسته بدهیم که یقینا، راه حق، هرچند دشوار، پایان‌بخش رستگاری است.